

دیدگاه مردان روستائی نسبت به کار زنان

ژاله شادی طلب

دانشیار دانشکده علوم اجتماعی

دانشگاه تهران

چکیده

نادیده گرفتن کار زنان روستائی پدیده فرهنگی غالبی است که نه تنها مردان روستائی بلکه زنان روستائی و حتی جامعه شناسان مدعی بی طرف و عینیت علمی را تحت تأثیر قرار داده است. شواهدی که در این مقاله مورد بررسی قرار گرفته اند نشان می دهد که مردان روستائی علی رغم فعالیتهای اقتصادی زنان، آنها را غیر شاغل به شمار آورده اند. زنان روستائی نیز با همه فعالیتهای زراعی، دامداری، قالی بافی و ... خود را "خانه دار" نامیده اند که مورد تأیید جامعه شناسان روستائی نیز قرار گرفته است. در این مقاله یافته های دو تحقیق متفاوت، و بررسی تعدادی از کتابهای جامعه شناسی روستائی مؤید موضوع فوق است.

واژگان کلیدی: زنان روستائی، جامعه شناسی روستائی، فعالیت زراعی، دامداری، قالی بافی زنان، زن خانه دار روستائی

مقدمه

تولیدات جامعه روستایی در کشور ما حاصل کار ۴/۲ میلیون خانوار است (مرکز آمار ایران ۱۳۷۰) مشارکت زنان روستایی در فعالیتهای تولیدی انکار ناپذیر است، (رفاهیت ۱۳۶۵) ولی تأخر تحولات فرهنگی و اجتماعی نسبت به تغییرات اقتصادی، سبب شده است تا نقش تعیین کننده آنان در جامعه چندان آشکار نباشد (وزارت کشاورزی ۱۳۷۴).

پوشیده ماندن کار زنان روستایی در تولیدات بخش کشاورزی و اقتصاد جامعه روستایی موجب برخوردار نشدن آنها از نتایج به دست آمده در برنامه های توسعه شده است (شادی طلب ۱۳۷۴). هدف این مقاله ضمن نشان دادن نقش اقتصادی زنان روستایی، نمایاندن فرهنگ جامعه در مورد مشارکت اقتصادی زنان روستایی و به بیان ساده تر "کار زنان روستایی" است. بر این عقیده ایم که با مرور برخی از کتابهایی که درباره جامعه روستایی ایران نوشته شده و یافته های تحقیقی در استان اصفهان و استان یزد، زمینه های لازم برای بیان این فرضیه کلی که: «نادیده انگاشتن کار زنان روستایی یک پدیده فرهنگی است» فراهم می شود.

جامعه شناختی کار زنان روستایی:

گروهی از جامعه شناسان اوقات زندگی را به سه بخش تقسیم می کنند:

۱- کار: در تعریف این واژه آن را فعالیتی دانسته اند که برای کسب درآمد، در مقابل دستمزد صورت می گیرد.

۲- اوقات فراغت: اوقاتی از زندگی است که فرد نوع فعالیت مورد نظر و دلخواه خود را انتخاب می کند و به آن می پردازد.

۳- اوقاتی که به فعالیتهای خاص و ضرور برای ادامه حیات اختصاص داده می شود، مانند وقتی که برای خوابیدن، غذا خوردن و ... صرف می شود.

به نظر می رسد که این الگوی تقسیم اوقات زندگی، منعکس کننده فعالیتهای همه انسانها نیست. زیرا بخشی از زندگی اکثریت زنان در این قالب نمی گنجد.

دلیل اصلی تردید به درستی این الگو، اوقاتی از عمر زنان است که "برای کار در خانه" (خانه داری) و "کار خانگی" صرف می شود. بنابراین در ابتدایی ترین مباحث مربوط به کار، جمع بندی این دسته از جامعه شناسان قابل تعمیم به زندگی و کار زنان نیست. فراتر از موضوع کار، جامعه شناسان به پدیده تقسیم کار در جامعه پرداخته و آن را یکی از تحولات اساسی در

*** - منظور از کار در خانه، فعالیتهایی نظیر غذاپختن، لباس شستن و ... است.

*** - منظور از کار خانگی، فعالیتهایی مانند قالی بافی و ... برای مصرف خانواده و یا فروش در بازار است.

فرآیند توسعه جوامع دانسته‌اند. آنچه در این فرآیند اتفاق افتاده جدایی فزاینده «خانه» از «کار» و جدایی «تولید» از «مصرف» است. در جریان این دگرگونیها زنان به طور فزاینده با خانه یعنی «فضای خصوصی» و مردان با «فضای عمومی» (فضای اجتماعی، سیاسی، اقتصادی) مرتبط شده‌اند. تقسیم کار بین دنیای خصوصی و عمومی و بین نقش زنان و مردان کاملاً طبیعی دیده شده است. تصور می‌شود نقشهای متفاوتی که زنان و مردان در جامعه به عهده دارند، دارای مبنای بیولوژیک است. بدین ترتیب با تأکید بر تفاوت‌های فیزیکی (جسمانی) زن و مرد، توجیه «جای زن در خانه است» پذیرفتنی شده است! تحقیقات مردم شناختی حاکی از آن است که در همه جوامع تفکیک نقشها مشابه نیست و در طول زمان نیز ثابت نمانده است. جوامعی وجود دارند که مردان در فضای خصوصی عهده‌دار مسؤولیتها هستند و در برخی از جوامع بخشی از آن را انجام می‌دهند. (اوکلی^۱ ۱۹۷۴ صص ۱۷۸-۱۶۳. آبوت^۲ و دیگران ۱۹۹۰، صص ۱۲۲-۱۲۱). بنابراین مبنای تقسیم کار لزوماً وضع فیزیولوژی بدن نیست؛ چراکه در این صورت تفکیک نقشها می‌بایست در همه جای دنیا یکسان باشد.

در فرآیند توسعه، در برخی از جوامع، زنها بسختی به فضای عمومی راه پیدا کردند و در برخی از جوامع، مانند جامعه روستایی کشور ما، زنان همواره بخشی از فعالیتهای خارج از فضای خصوصی را بر عهده داشتند و حضور آنان در فرآیند تولید محصولات کشاورزی کاملاً بارز بوده است.

جدول شماره ۱: کار زنان روستایی در خارج از خانه و در مراحل تولید محصولات کشاورزی*

فعالتهای دامداری			فعالتهای زراعی			حوزه‌های کشاورزی	
شیردوشی	مراقبت	تعلیف	چرا	برداشت	داشت		کاشت
۷۰	۴۰	۴۰	۱۵	۲۵	۵۵	۵۰	۱) گیلان و مازندران
۸۷	۳۷	۴۰	۱۵	۲۵	۲۳	۴۵	۲) آذربایجان غربی، شرقی و اردبیل
۱۰۰	۲۵	۴۰	-	۱۲	۱۲	۵	۳) همدان، لرستان
۸۱	۳۶	۴۰	۲۱	۱۲	۱۱	۶	۴) اصفهان، چهارمحال بختیاری و مرکزی
۹۳	۶۳	۴۶	۲۱	۲۳	۲۵	۵	۵) کرمانشاه، کردستان و ایلام
۸۸	۵۷	۶۲	۴۰	۶۵	۶۰	۴۸	۶) بوشهر و هرمزگان

1 - Oakly

2 - Abbott et al

* - این جدول بر اساس اطلاعات مرکز مطالعات برنامه ریزی و اقتصاد کشاورزی - وزارت کشاورزی ۱۳۷۴ تنظیم گردیده است.

بنابراین واقعیت انکار ناپذیر کشورمان این است که زنان روستایی به طور متوسط حدود ۵۰ درصد نیروی کار در فعالیتهای کشاورزی را تأمین می‌کنند، ولی نقش و کار آنان در دیدگاهها و مباحث جامعه‌شناختی روستایی پنهان مانده است (لهسایی زاده ۱۳۷۲، طالب ۱۳۷۲، رفیع‌پور ۱۳۶۴). و یا در حالی که بخش قابل توجهی از نیروی کار بدون دستمزد را زنان روستایی تشکیل می‌دهند، در ارائه اطلاعات و توضیحات درباره کارگران بی‌مزد در روستا اشاره‌ای به این نیروها نمی‌شود (خسروی ۱۳۷۲). البته در گذر زمان و در فرآیند توسعه، جامعه‌شناسی نیز در جریان توسعه قرار گرفته و برخی از جامعه‌شناسان به موضوع کار زنان، به صورت پراکنده (ازکیا ۱۳۶۵ ص ۱۸۷) و یا به بهترین شکل، در بخشی از کتابهای خود اشاره کرده‌اند (وثوقی ۱۳۶۶، صص ۶۳-۶۷). ولی هر چند ادعای حفظ "اصل بی‌طرفی" و "عدم پیش‌داوری" از ویژگیهای جامعه‌شناسان بوده‌است و هنوز هم هست، اما به نظر می‌رسد که اغلب مردان جامعه‌شناس نتوانسته‌اند درباره کار زنان در فضای عمومی بی‌طرفانه اظهار نظر کنند.

کار زنان از دیدگاه مردان روستایی

خارج از دنیای جامعه‌شناسان که مردانی مجهز به ابزار علم‌اند، آیا می‌توان از مردان روستایی انتظار نگرش و ادراک متفاوتی نسبت به کار زنان در فضای عمومی داشت؟ آیا آنان نیز کار زنان را نادیده می‌گیرند؟ برای پاسخگویی به این سؤال به یقین به پژوهشهای بسیاری در جامعه روستایی نیازمندیم. اما در این مقاله اطلاعات به دست آمده از ۳۰ روستا در استان اصفهان*، به عنوان نمونه، ارائه می‌شود. براساس یافته‌های این تحقیق ۸۰ درصد مردان سرپرست خانوار، در جامعه مورد بررسی، شغل اصلی خود را فعالیت در بخش کشاورزی (زراعت، دامداری و باغبانی) عنوان کرده‌اند و بقیه به فعالیت در بخشهای اقتصادی مشغول بوده و کار کشاورزی را شغل اصلی خود ندانسته‌اند. نتایج پرسش در مورد اشتغال اعضای خانواده، نوع کار و نحوه دریافت دستمزد نشان می‌دهد که خانوارهای نمونه، تنها دو سرپرست خانوار، همسران خود را "شاغل با مزد" عنوان کرده‌اند که یکی از آنها آموزگار و دیگری بهیار بوده است. به عبارت دیگر مردان روستایی (یک درصد) زنان خود را در صورتی شاغل معرفی می‌کنند که در فضای عمومی و در خارج از واحد بهره‌برداری کشاورزی به کار مشغول باشند.

در جامعه مورد بررسی ۵۴ درصد مردان روستایی، زنان خود را شاغل بدون دستمزد نیز نام برده‌اند؛ یعنی بسیاری از مردان روستایی، زنان را حتی کارکنان خانوادگی هم به حساب

* - اطلاعات این تحقیق در پنج شهرستان اصفهان، کاشان، سمنان، فریدون‌شهر، گلپایگان و اردستان گردآوری

نیاورده‌اند و مدعی بوده‌اند که زنی (همسر یا دختر یا ...) در خانواده آنها کار نمی‌کند و ۴۶ درصد بقیه گفته‌اند که زنان کار می‌کنند اما بدون دستمزد.

در بررسی رابطه شغل اصلی مرد، به عنوان سرپرست خانوار و کار اقتصادی* زن، فرق معنی‌داری بین دو گروه مردان شاغل در بخش کشاورزی و شاغلان در بخشهای غیر کشاورزی دیده نمی‌شود. به عبارت دیگر در هر دو گروه بیش از نیمی از مردان روستایی کار زنان خود را در واحد بهره‌برداری کشاورزی و فعالیتهای دامداری مانند شیردوشی و تهیه مواد لبنی و یا قالی بافی، به حساب نمی‌آورند.

شاید هرگز مردان روستایی به اثر تعیین‌کننده زنان در کاهش هزینه‌های تولید و وابستگی درآمد خانوار به کار زنان نیندیشیده‌اند. پس اطلاعات گردآوری شده نشان می‌دهد که بدون زنان روستایی نیروی کار مورد نیاز واحد بهره‌برداری تأمین نمی‌شود و افزایش تعداد زنان در هر خانوار به منزله افزایش تعداد شاغلان خانوار می‌باشد، به طوری که ضریب همبستگی بین دو متغیر Somer's D.75 این نکته را به خوبی نشان می‌دهد.

جدول شماره ۲: نقش زنان روستایی در تأمین نیروی کار خانوار

جمع	تعداد شاغلان در خانوار					جمع
	۱ نفر	۲ نفر	۳ نفر	۴ نفر	۵ نفر	
	تعداد زنان فعال در خانوار					
۳	۳۴	۱۳	۳	۱	۵۴	۱ زن کار می‌کند
۰	۱	۱۷	۸	۰	۲۶	۲ زن کار می‌کند
۰	۰	۰	۱۴	۴	۸	۳ زن کار می‌کند
۰	۰	۰	۰	۴	۴	۴ زن کار می‌کند
۳	۳۵	۳۰	۱۵	۹	۹۲	جمع خانوار

* - کار اقتصادی علاوه بر کار خانه‌داری (مانند شستن ظرفها، غذا پختن) است و به کار در واحد بهره‌برداری خانوادگی یا غیرخانوادگی و یا تولید صنایع دستی اطلاق می‌شود.

اطلاعات فوق نشان می‌دهد که در حدود ۳۷ درصد از خانوارهای نمونه، زن یکی از دو عضو فعال اقتصادی خانوار و در ۳۳ درصد خانوارها زن تأمین‌کننده یک یا دو نفر از سه عضو شاغل در خانوار بوده است. در واقع در ۸۱ درصد از خانوارها زنان روستایی در فضای عمومی کار می‌کنند و نقش مؤثری در افزایش میزان درآمد خانوار دارند. به طوری که در بررسی رابطه میزان درآمد سالانه خانوار و تعداد زنانی که کار اقتصادی در خانوار انجام می‌دهند، مشخص شد، در خانوارهایی که درآمد خود را از بخشهای غیر کشاورزی تأمین می‌کنند، کار زنان اثر تعیین‌کننده دارد. به عبارت دیگر رابطه معنی‌داری بین کار زنان و درآمد خانوار وجود داشته (Somers's D.57) و بخش عمده‌ای از درآمد کسب شده از فعالیتهای غیر کشاورزی نتیجه کار زنان خانوار بوده است.

کار زنان از دیدگاه زنان روستایی

تعیین میزان گستردگی و نفوذ یک پدیده فرهنگی در جامعه و دستیابی به یک گزاره کلی در تأیید یا رد وجود چنین پدیده‌ای نیازمند بررسی موضوع از دیدگاه قشرهای مختلف اجتماعی است. در جهت دستیابی به اطلاعات بیشتر در این زمینه، از زنان روستایی در ۴۲ روستای استان یزد در خصوص کار اقتصادی آنان در فضای خصوصی (خانه) و فضای عمومی (بیرون از خانه) سؤال شد.

یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که زنان روستایی نقش عمده‌ای در تأمین نیازهای خانوار، از طریق عرضه نیروی کار در واحد بهره‌برداری کشاورزی و یا انجام فعالیت اقتصادی در درون منزل، دارند و نوع فعالیتهای آنان با توجه به وضعیت شغلی همسر و یا اندازه واحد بهره‌برداری متفاوت است:

جدول شماره ۳: رابطه کار زنان روستایی و شغل همسران آنها (درصد از کل نمونه)

کار در فضای عمومی		کار در فضای خصوصی (فالی بافی)	وضعیت شغلی مرد روستایی
دامداری	زراعت		
۵۴/۵	۶۰/۶	۵۴/۵	کشاورز
۳۵/۳	۲۰/۶	۷۶/۵	غیرکشاورز

اطلاعات به دست آمده نشان می‌دهد که کار زنان روستایی مکمل فعالیت اقتصادی همسران آنان است. نزدیک به ۷۷ درصد از زنان جامعه مورد بررسی، که شوهران آنها در بخش غیر

کشاورزی شاغل بوده‌اند، در خانه به یک فعالیت اقتصادی درآمدزا (غالباً قالی بافی) مشغول بوده‌اند و در جایی که درآمد خانوارها از فعالیت در بخش کشاورزی تأمین می‌شد، بیش از ۵۵ درصد آنان تأمین‌کننده بخشی از نیروی کار مورد نیاز در واحد زراعی یا دامی بوده‌اند. این نکته در نگاهی به وضع مالکیت زمین و اندازه واحد زراعی بهتر نمایان می‌شود. زیرا در خانوارهای فاقد زمین نزدیک به ۵۲ درصد زنان روستایی به کار اقتصادی در فضای خصوصی پرداخته و در خانوارهای دارای زمین برای زراعت، اکثریت زنان روستایی بخشی از کار را در واحد بهره‌برداری خانوادگی عهده‌دار بوده‌اند.*

جدول شماره ۴: رابطه کار زنان و اندازه واحد بهره‌برداری (درصد از کل)

کار در فضای عمومی		کار در فضای خصوصی	اندازه زمین
دامداری	زراعت		
۱۳	-	۵۲/۲	فاقد زمین
۵۶	۵۶/۷	۴۳/۳	کمتر از یک هکتار
۶۳/۶	۸۱/۸	۸۲	۱ تا ۲ هکتار
۵۰	۱۰۰	-	۲/۱ تا ۵ هکتار
-	-	-	۵/۱ و بیشتر

یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که ۵۴ درصد زنان روستایی به یک فعالیت اقتصادی درآمدزا در فضای خصوصی (درون خانه) مشغول بوده و ۷۹ درصد زنان روستایی جامعه مورد بررسی در استان یزد، با تأمین نیروی کار بدون دستمزد، به کاهش هزینه تولید واحد زراعی و دامی کمک کرده و یا با بافتن قالی بر درآمد خانوار افزوده‌اند. اما وقتی از همین زنان که حداقل ۷۹ درصد آنان به یک یا چند فعالیت اقتصادی درآمدزا مشغول بودند، سؤال شد: "شغل شما چیست؟" ۶۷ درصد خود را "خانه‌دار" معرفی کردند.

بدین ترتیب زنان روستایی، هر چند کار اقتصادی انجام می‌دهند، یعنی کالایی تولید می‌کنند که با فروش آن در بازار درآمدی برای خانوار کسب و یا در واحد زراعی به تولید محصولات کشاورزی کمک می‌کنند، ولی باز خود را "شاغل" نمی‌دانند و آنچه را که انجام می‌دهند «کار» به حساب نمی‌آورند. بنابراین زنان روستایی نیز مانند مردان روستایی مشارکت در تولید

* - اطلاعات این تحقیق در سه شهرستان: میبد، مهریز و اردکان در استان یزد گردآوری شده است.

محصولات کشاورزی و کار در واحد بهره‌برداری و یا قالی بافی را جزء وظایف خانه‌داری مانند آشپزی، شستن ظرفها و ... می‌پندارند و کار اقتصادی خود را نادیده می‌گیرند.

نتیجه

یافته‌های این بررسی، با همه محدودیت و تعمیم ناپذیری به جامعه روستایی کل کشور، نشان می‌دهد که در جامعه روستایی ایران زنان در فضای خصوصی به کار اقتصادی می‌پردازند و خارج از منزل و در فضای عمومی نیز حضور فعال دارند ولی مردان و زنان روستایی میان «خانه» و «محل کار» (واحد بهره‌برداری) تفاوتی قائل نیستند. یعنی کار زنان در واحد بهره‌برداری خانوادگی و اشتغال به صنایع دستی «خانه داری» محسوب می‌شود و دامنه فضای خصوصی فراتر از صرفاً «خانه» است. به عبارت دیگر برای جامعه روستایی (زنان و مردان) فضای عمومی و خصوصی دو دنیای جدا از هم نیستند.

کار زنان روستایی و اشتغال به فعالیتهای اقتصادی چه در درون خانه (مانند قالی بافی) و چه در واحد بهره‌برداری (مانند کار در داشت یا برداشت کشاورزی و یا شیردوشی) «کار» تلقی نمی‌شود.

شواهد نشان می‌دهد که به ندرت خانواری روستایی را می‌توان یافت که زنان در فعالیتهای اقتصادی آن هیچ نقشی نداشته باشند. بر اساس اطلاعات موجود حداقل ۵۰ درصد نیروی کار را در فرآیند تولید محصولات کشاورزی زنان تأمین می‌کنند. پس چرا نیمی از نیروی کار جامعه روستایی در کتابهای جامعه‌شناسی روستایی و در ذهنیت مردان و زنان جایگاهی درخور ندارد؟ پاسخهای احتمالی به این سؤال نیازمند پژوهشهای گسترده‌ای است ولی هر دلیل یا دلایلی که در این موضوع قابل طرح باشد، یافته‌های این بررسی وجود چنین پدیده‌ای را تبیین می‌کند.

پذیرش وجود چنین پدیده فرهنگی به یقین به پرسشهای بیشتر درباره علت وجودی این پدیده خواهد انجامید و در این صورت تحقق دگرگونیهای فرهنگی همپای تحولات اقتصادی چندان دور از دسترس نخواهد بود.

مآخذ:

- ازکیا، مصطفی، جامعه شناسی توسعه و توسعه نیافتگی روستایی ایران، تهران، انتشارات اطلاعات، ۱۳۶۵.
- خسروی، خسرو، جامعه شناسی ده در ایران، تهران، مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۷۲.
- رفاهیت، هوشنگ، نقش زنان در توسعه کشاورزی و مناطق روستایی ایران، مرکز تحقیقات روستایی و اقتصاد کشاورزی، وزارت کشاورزی، ۱۳۶۵.
- رفیع پور، فرامرز، جامعه روستایی و نیازهای آن، تهران، شرکت سهامی انتشار، ۱۳۶۴.
- شادی طلب، ژاله، زنان کشاورز ایرانی در برنامه‌های توسعه، فصلنامه اقتصاد کشاورزی و توسعه، مرکز مطالعات برنامه ریزی و اقتصاد کشاورزی، وزارت کشاورزی، ویژه نامه نقش زنان در کشاورزی، سال سوم، بهار ۱۳۷۴.
- شادی طلب، ژاله، زنان روستایی ایران، تهران، مرکز مطالعات برنامه ریزی و اقتصاد کشاورزی، وزارت کشاورزی، ۱۳۷۴.
- طالب، مهدی، نگاهی جامعه شناسانه به مسایل اعتبارات روستایی در ایران، وزارت جهاد سازندگی، ۱۳۷۲.
- لهسایی زاده، عبدالعلی، جامعه شناسی کشاورزی، تهران، اطلاعات، ۱۳۷۲.
- مرکز آمار ایران، سازمان برنامه و بودجه، سرشماری جمعیت، تهران، ۱۳۷۰.
- وثوقی، منصور، جامعه شناسی روستایی، تهران، انتشارات کیهان، ۱۳۶۶.

○ Abbott Pamela and Claire Wallace *An Introduction to Sociology, Feminist Perspectives*. 1990, Routledge, London. UK.

○ Oakley Ann *Women's Work, The Housewife, Past and Present*. 1974, Pantheon Books, NewYork, USA.